

بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری‌وای

زهرا رجیبی*
سمیه آذر**

چکیده

«طرح» یکی از عناصر اصلی داستان و از مهمترین ملاکهای ارزیابی زیبایی‌شناسانه یک اثر روایی است. قرآن سرشار است از روایتهایی که می‌توان ادبیت آنها را بر اساس معیارهای نوین ارزیابی کرد. در این پژوهش داستان یوسف بر اساس نظریه لاری‌وای از نظر طرح‌شناسی بررسی و تحلیل شده است.

از ویژگیهای خاص طرح در داستان یوسف می‌توان به مواردی چون مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، خلق معما و تعلیق پی‌درپی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنشها و وحدت حوادث، و یکدستی روایت در حادثه‌پردازی در کل داستان اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: روایت، طرح و پیرنگ، لاری‌وای، یوسف، قرآن.



مقدمه

هر روایت داستانی ساختاری متشکل از عناصر مختلف دارد که «به طور همزمانی عمل می‌کنند، نه به صورت در زمانی» (بی‌نیاز، ۱۳۸۷: ۱۸). تغییر در هر یک از این عناصر سبب تغییر در ساختار کلی روایت می‌شود. بنابراین، در ساختار هر روایت وجود اجزا، قوانین، روابط و مناسبات میان آنها الزامی است (محمدی، ۱۳۸۷: ۶۰). آنچه روابط و پیوندهای بین عناصر را در کل ساختار تعیین می‌کند، طرح است.

کتاب آسمانی، قرآن، سرشار است از روایت‌هایی که از آنها به قصه، حدیث و نبأ تعبیر می‌شود. در میان آنها تنها از داستان یوسف با عنوان «احسن القصص» یاد شده است. این وصف ما را به بررسی چگونگی طرح این داستان واداشت که دریابیم آیا میان کنشها، حوادث و نحوه چینش آنها در آیات این داستان ارتباطی وجود دارد یا خیر، و طرح در این داستان چه میزان در موفقیت آن تأثیر داشته است تا از این طریق جنبه‌ای دیگر از زیبایی و اعجاز ادبی قرآن را آشکار کنیم. از آنجا که برای سنجش ارزش طرح به میزان نیاز داشتیم، الگوی طرح روایی لاری‌وای^۱، نظریه‌پرداز فرانسوی در قرن بیستم را مبنا قرار داده‌ایم.

تعریف طرح و اهمیت آن

طرح^۲ یا پیرنگ شاخص‌ترین عنصر روایت و «شبکه استدلالی حوادث در داستان است... و آنها را چنان تنظیم می‌کند که در نظر خواننده منطقی جلوه کند» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۵۷). تا آنجا که «از مجموع زحمتی که نویسنده جهت خلق یک اثر کامل متحمل می‌شود، ۷۵ درصد یا بیشتر آن به دلیل تلاشی است که صرف طراحی داستان می‌کند» (مک‌کی، ۱۳۸۲: ۱۴). این عنصر «در سرتاسر داستان، از عنوان گرفته تا جمله پایانی، حضور دارد، بی‌آنکه خود ماهیتی مستقل، مثل کنش یا شخصیت داشته باشد» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۰۴). بنابراین، طرح یا الگوی از درون سازگار و درهم‌تنیده حوادث، که در زمان پیش می‌رود، بخش انتزاعی یک روایت است که تنها با تحلیلی اصولی از دیگر عناصر داستانی تفکیک می‌شود. چون طرح است که عناصر داستانی را برمی‌گزیند و مناسبات بین آنها را تعیین می‌کند، ایجاد پیرنگی آمیخته با ابهامی طبیعی و با فرمی که توان گسترش دارد، نشانه دانش، ذکاوت و مهارت نویسنده است، زیرا رعایت اصل

_____ بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری وای

زیبایی‌شناسی اجازه نمی‌دهد تمام رخدادها روایت شوند (عباسی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). خلاصه اینکه، پیرنگ مسئله مهمی است و در پردازش آن باید «عمیقاً به مضمون و درونمایه، شخصیت‌ها و صحنه دقت کرد تا باورپذیر باشد و سلسله وقایع راحت‌تر ظاهر شوند و افراط و تفریط در کار صورت نگیرد» (دات‌فایر، ۱۳۸۸: ۹۱).

تحول نظریه طرح در روایت

ارسطو در بیان چگونگی و ترتیب وقایع تراژدی می‌گوید: «تراژدی عبارت است از تقلید کارهای تام... امر تام امری است که آغاز و میانه و نهایت داشته باشد» (ارسطو، ۱۳۵۷: ۱۲۲). از گفته‌های او برمی‌آید که او در طرح به دیده یک کنش واحد و منسجم می‌نگریست (فرانسواز، ۱۳۸۵: ۴۲). در دوره کلاسیک نیز «بیشتر مطالبی که در این زمینه بیان می‌شوند، برگرفته از پویتیک ارسطو است» (والاس، ۱۳۸۶: ۵۷). آنها طرح را تنها خلاصه‌ای از داستان و... عنصر ساده‌ای می‌پنداشتند که به بحث جداگانه درباره آن نیازی نبود (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۹).

از قرن بیستم، برای طرح اصول، وظیفه‌ها و الگوهایی تعریف شد. فورستر طرح را نقل حوادث با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلولی دانست و برای آن مثالی آورده است که مشهور است: «سلطان مرد، سپس ملکه مرد»، یک داستان است، اما «سلطان مرد و پس از چندی، ملکه از فرط اندوه او درگذشت»، یک طرح است. زیرا توالی زمانی را تعلیق می‌کند... و از داستان (بیان صرفاً متوالی حوادث و کنشها) فاصله می‌گیرد (فورستر، ۱۳۵۲: ۱۱۲ و ۱۱۳). از نیمه قرن بیستم، شکل‌گرایان برای تمایز مصالح خام ادبیات و بازآرایی زیبایی‌شناختی آنها، از مفاهیم داستان و پیرنگ استفاده کردند. به نظر آنها در داستان وقایع بر اساس توالی زمانی و علیت به یکدیگر مربوط می‌شوند، اما در پیرنگ نظم تقویمی رخدادها و پیوندهای علی آنها با یکدیگر به هم می‌خورد (بردول، ۱۳۷۳: ۱۰۵). در اواخر قرن بیستم، با گسترش نگرش سیستمی در نظریه ادبی و تثبیت طرح به منزله علت‌العلل روایت، کسانی چون پراپ، تودوروف، اشکلوفسکی، برمون و گریماس کوشیدند پیرنگی واحد و مبتنی بر روشی منطقی و علمی بیابند. همه آنها «توجه خود را به بررسی تمهیداتی معطوف ساختند که قوانین درونی ترکیب‌بندی پیرنگ را بیان می‌کنند» (مکاریک، ۱۳۸۵: ۲۰۱). البته، اغلب نظریه‌های پیرنگ بر اساس



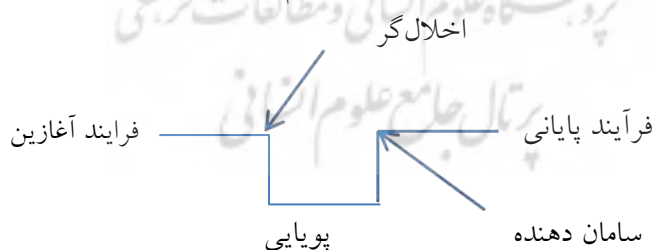
یکدیگر شکل گرفته‌اند، مثلاً کلیت نظریه طرح پراپ مبتنی بر نظریه ارسطو و نظریه گریماس مبتنی بر نظریه پراپ بود. پس از او، اغلب با توجه به گریماس وارد حوزه نشانه - معناساختی شدند.

نظریه طرح لاری‌وای

لاری‌وای نیز در تلاش برای پیشنهاد الگویی واحد برای پیرنگ کوشید بر اساس دیدگاه ارسطو، یک طرح کلی از پیرنگ را در یک الگوی ساده و مجازی نشان دهد. از نظر او هر روایت بر یک ابرساختار^۳ پایه‌ریزی شده است که آن را پیرنگ کلی^۴ روایت یا پیرنگ پنج‌تایی - به دلیل پنج مرحله بودن - نامید. این پنج مرحله عبارت‌اند از: ۱. مرحله اولیه پایدار؛ ۲. گره‌افکنی که در حالت اولیه خلل وارد می‌کند؛ ۳. پویایی یا کنش؛ ۴. حل مشکل و گره‌گشایی که نتیجه کنش است؛ ۵. وضعیت پایانی که در آن تعادل دوباره به دست می‌آید. بر اساس این، روایت به تغییر از حالتی پایدار به حالت پایدار دیگر تعریف می‌شود. این تغییر و تحول از سه عنصر کلی تشکیل شده است:

۱. عنصری که روند تغییر و تحول را به راه اندازد (نیروی اخلاک‌گر)؛
۲. پویایی و تحرک که این تغییر و تحول را محقق می‌کند یا نمی‌کند؛
۳. عنصری که این روند تغییر و تحول را خاتمه می‌دهد (نیروی سامان‌دهنده) (Reuter, 2006: 47).

با توجه به این اصول مشترک، می‌توان به الگویی مشترک یا شمایی کلی برای طرح‌شناسی یک روایت دست یافت و آن را اینگونه رسم کرد:



آغاز هر داستان یا شروع مکتوب را مقدمه‌چینی می‌گویند. این مرحله که در آن کشمکش وجود ندارد، مرحله پایدار آغازین در الگوی لاری‌وای است. میانه از زمانی

شروع می‌شود که کشمکش بین شخصیتها، بین دو جنبه از وجود یک شخصیت یا بین شخصیت با جامعه به وجود آید. مرحله پایان همان وضعیت پایدار دوم است که در آن داستان به پایداری جدیدی مغایر با وضعیت اولیه می‌رسد. به عقیده لاری‌وای، بیشترین شگردی که نویسنده در طرح‌ریزی به کار می‌برد، در مرحله میانه و ناپایدار داستان است. این مرحله سه بخش فراز، اوج و فرود دارد. فراز با گره‌افکنی از طریق نیروی اخلاک‌گر یا برهم‌زننده مرحله پایدار و بر هم زدن تعادل در داستان شروع می‌شود و حاصل آن، دست‌کم، یکی از چهار نوع کشمکش جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی است (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴). شاخص‌ترین معیار این موقعیت، حرکت تصاعدی کنشهای داستان و هدایت آنها به مرحله بحران و اوج، و در نتیجه، انگیزش حس تعلیق در مخاطب روایت است. چرخش و انتقال داستان نیز در این مرحله اتفاق می‌افتد و داستان به سوی فرود حرکت می‌کند که مرحله گره‌گشایی و حل بحران است.

در الگوی لاری‌وای از مرحله میانی به «پویایی و انتقال» تعبیر می‌شود که خود شامل سه نقطه گره‌افکنی، بحران و گره‌گشایی است. داستان از نقطه گره‌گشایی، که با نیروی سامان‌دهنده صورت می‌گیرد، به سوی مرحله پایانی پایدار دوم می‌رود. به دلیل کلی بودن و جامعیت الگوی «طرح کلی» لاری‌وای می‌توان آن را برای تحلیل هر گونه روایتی با طرح ساده یا پیچیده به کار گرفت.

تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن

نام «یوسف» ۲۷ بار در قرآن، در سوره‌ای به نام او، در آیه ۳۴ سوره غافر (مؤمن) و در آیه ۸۴ سوره انعام آمده است. در سوره غافر به رسالت او تصریح می‌شود و در سوره انعام نام او در زمره پیامبران بزرگ می‌آید. برخلاف سایر داستانهای قرآنی، داستان یوسف تنها داستانی است که تمام اطلاعات و ماجرای آن فقط در ۱۱۱ آیه سوره یوسف بیان شده است. این ویژگی طرح‌شناسی این روایت را برای تحلیلگر آسانتر می‌سازد.

طرح‌شناسی ماجرای یوسف

بر اساس طرح لاری‌وای، طرح کلی یا ابرساختار داستان یوسف را می‌توان بر محور

وقایع زندگی و سرگذشت یوسف، به سه مرحله آغازین، میانی و پایانی تقسیم کرد. هر یک از این مراحل طرح‌ریزی و فراز و فرود خاص خود دارد. در ادامه، به بررسی هر یک از این قسمت‌ها می‌پردازیم.

۱. مرحله آغازین روایت

این مرحله مربوط به ماجراهای دوره کودکی یوسف است که در آیات ۱-۲۰ بیان شده است. مهم‌ترین کنش‌های این مرحله، به ترتیب ذکرشده در آیات سوره، بدین شرح است: ۱. آغاز قصه یوسف و خواب دیدن او؛ ۲. تعبیر خواب و منع پدر از گفتن آن به برادران؛ ۳. حسد ورزیدن برادران یوسف و توطئه آنها برای کشتن او؛ ۴. خواهش برادران از پدر برای بردن یوسف با خود و ابراز نگرانی او؛ ۵. انداختن یوسف به چاه به دست برادران؛ ۶. آوردن پیراهن خون‌آلود یوسف با گریه دروغین؛ ۷. درآمدن یوسف از چاه به دست کاروانیان؛ ۸. فروخته شدن یوسف به بردگی در مصر؛ ۸. قرار گرفتن یوسف در اختیار عزیز مصر.

در این اپیزود دو طرح وجود دارد. مراحل طرح اول بدین شرح است: ۱. فرایند آغازین، که زندگی یوسف در کنار پدر و برادرانش است؛ ۲. پویایی که سه مرحله دارد: الف. گره‌افکنی (خواب دیدن سجده ماه، خورشید و ستارگان در برابر یوسف)؛ ب. بحران که برحذر داشتن یوسف از بیان خواب نزد برادران است؛ ج. گره‌گشایی که تعبیر یعقوب از خواب یوسف است؛ ۳. فرایند پایانی که سخنان یعقوب درباره نیاکان و وعده آموختن علم تعبیر به یوسف و سعادت اوست. در اینجا، نیروی اخلاک‌گر خواب و نیروی سامان‌دهنده یعقوب است.

مراحل طرح دوم چنین است: ۱. فرایند آغازین که زندگی یوسف در کنار پدر و برادرانش است؛ ۲. پویایی که خود شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی یا حسادت برادران و توافق برای کشتن او؛ ب. بحران که بردن یوسف به بیابان است و با افکندن او در چاه به اوج می‌رسد؛ ج. گره‌گشایی که بیرون آوردن یوسف از چاه است؛ ۳. فرایند پایانی، بردن او به مصر و خریدن شدن او برای بردگی است. در اینجا، نیروی اخلاک‌گر برادران و نیروی سامان‌دهنده کاروانیان هستند.

۲. مرحله میانی روایت

این مرحله که آیات ۲۱-۵۳ سوره یوسف را دربرمی‌گیرد، روایت وقایع مربوط به جوانی یوسف، یعنی زندانی شدن و نجات او از زندان است. مهم‌ترین کنشهای این مرحله، به ترتیب ذکر شده در آیات سوره، بدین شرح است: ۱. رشد یوسف و دستیابی او به علم و حکمت؛ ۲. عشق زلیخا به یوسف؛ ۳. کامجویی زلیخا از یوسف و عکس‌العمل او؛ ۴. پاره شدن پیراهن یوسف از پشت؛ ۵. تهمت زدن زلیخا به یوسف؛ ۶. گواهی پیراهن از قفا دریده شده بر بی‌گناهی یوسف؛ ۷. رسوایی عشق زلیخا به یوسف؛ ۸. دعوت زلیخا از زنان مصر و مسحور شدن آنان از زیبایی یوسف و بریدن دست؛ ۹. به زندان افتادن یوسف؛ ۱۰. خواب دیدن دو جوان همبند یوسف؛ ۱۱. تعبیر یوسف از خوابهای آن دو جوان؛ ۱۲. درخواست یوسف از یکی از آن دو جوان که او را به یاد عزیز بیاورد؛ ۱۳. رهایی جوان زندانی و فراموش کردن قولش به یوسف؛ ۱۴. خواب دیدن عزیز مصر و ناتوانی خوابگزاران از تعبیر آن؛ ۱۵. به یاد آوردن زندانی یوسف را و تعبیر یوسف خواب عزیز را؛ ۱۶. اعتراف زلیخا و زنان مصر، و رهایی یوسف.

از آنجا که اپیزود یا مرحله میانی این روایت چندین طرح درهم‌تنیده دارد، برای آسانی بررسی آن را به دو بخش تقسیم کرده‌ایم: یکی ماجرای به زندان افتادن یوسف، و دیگری، نحوه رهایی او از بند. طرح اصلی در بخش نخست، طرحی مرکب است، یعنی خود از دو پاره تشکیل شده است که هر یک سه قسمت یک طرح کامل هستند. مراحل پاره اول بدین ترتیب است: ۱. فرایند آغازیدن: رشد یوسف در خانه عزیز مصر و آموختن علم و حکمت؛ ۲. پوپایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: با عاشق شدن و ابراز عشق زلیخا به یوسف ایجاد می‌شود؛ ب. بحران: با امتناع یوسف از خواسته زلیخا شروع می‌شود و به مرحله اوج داستان، یعنی گریختن یوسف، دریده شدن پیراهنش به دست زلیخا و آگاهی عزیز از این ماجرا می‌انجامد؛ ج. گره‌گشایی: اثبات برائت یوسف با تدبیر یکی از نزدیکان عزیز؛ ۳. فرایند پایانی: خواهش عزیز از یوسف برای صرف نظر کردن از این ماجرا و دستور به توبه کردن زلیخاست. در این طرح، زلیخا عامل اخلاک‌گر است، و خردمند نقش نیروی سامان‌دهنده را دارد.

طرح پاره دوم بدین شرح است: ۱. فرایند آغازین: اثبات بی‌گناهی یوسف و گناهکاری زلیخا؛ ۲. پویایی، که شامل سه مرحله است: الف. گره‌افکنی: افشای راز زلیخا، طعنه زدن و سخن‌چینی زنان اشراف به وی به سبب عشق به یوسف؛ ب. بحران: دعوت شدن از زنان به میهمانی، بریدن دست خود به سبب مسحور زیبایی یوسف شدن، و سرانجام، تهدید زلیخا یوسف را به تن دادن به خواسته‌اش، و در غیر این صورت، زندانی کردن او (نقطه اوج این قسمت)؛ ج. گره‌گشایی: مناجات یوسف با خداوند و اجابت دعای او؛ ۳. به زندان رفتن یوسف به امر الهی برای حفظ ایمانش.

در این طرح، زنان مصر نیروی اخلاک‌گر و خداوند نیروی سامان‌دهنده است. بخش دوم این اپیزود مربوط است به نحوه رهایی یوسف از زندان که خود شامل چند طرح است. مراحل این طرح اینگونه است: ۱. فرایند آغازین: یوسف با دو جوان دیگر در زندان هم‌صحبت است و خوابهای آنان را تعبیر می‌کند؛ ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: شیطان سبب می‌شود جوان آزاد شده وعده شفاعت یوسف نزد عزیز را فراموش کند؛ ب. بحران: یوسف چندین سال در زندان می‌ماند؛ ج. گره‌گشایی: با ناتوانی خواب‌گزاران از تعبیر خواب عزیز، جوان آزاد شده به یاد یوسف می‌افتد و او خواب عزیز را تعبیر می‌کند؛ ۳. فرایند پایانی: یوسف از عزیز می‌خواهد ماجرای او را بررسی کند، و سرانجام زنان و زلیخا به گناه خود و بی‌گناهی او اعتراف می‌کنند. در این طرح نیز شیطان نقش نیروی اخلاک‌گر و جوان آزاد شده نقش نیروی سامان‌دهنده را بر عهده دارند. در این پاره از روایت، ماجرای جوان آزاد شده نیز طرح خاص خود را دارد: ۱. فرایند آغازین: مصاحبت جوانان با یوسف در زندان است؛ ۲. پویایی که سه قسمت دارد: الف. گره‌افکنی: خواب دیدن جوانان؛ ب. بحران: تعبیر یوسف به آزاد شدن یکی و کشته شدن دیگری؛ ج. گره‌گشایی: تحقق پیش‌بینی یوسف؛ ۳. فرایند پایانی: آزادی جوان از زندان و رسیدن به مقام ساقیگری عزیز. در این طرح، خواب نیروی اخلاک‌گر و تعبیر آن نیروی سامان‌دهنده است.

۳. مرحله نهایی روایت

مرحله نهایی که به ترتیب در آیات ۵۴-۱۰۱ سوره یوسف آمده است، وقایع دوره میان‌سال زندگی یوسف، یعنی چگونگی قدرت‌یابی او در مصر و بازگشت نزد پدرش

را توصیف می‌کند. مهم‌ترین کنشهای این مرحله بدین قرار است: ۱. موقعیت ممتاز یوسف نزد عزیز؛ ۲. جانشینی عزیز و ازدواج یوسف با زلیخا پس از مرگ همسر او؛ ۳. قحطی شدید در منطقه؛ ۴. آمدن برادران یوسف نزد وی برای گرفتن غله و شناختن او؛ ۵. درخواست یوسف از برادران برای آوردن بنیامین نزد وی؛ ۶. قرار دادن وجه پرداختی برادران در بار آنان؛ ۷. موافقت یعقوب با اعزام بنیامین؛ ۸. ورود مجدد برادران نزد یوسف به همراه بنیامین؛ ۹. شناساندن یوسف خود را به بنیامین؛ ۱۰. قرار دادن پیمانۀ شاه در بار بنیامین و زدن تهمت دزدی به او؛ ۱۱. بازداشت بنیامین و تلاش برادران برای رهایی او؛ ۱۲. گزارش ماجرا به یعقوب و دستور او به جستجوی یوسف و بنیامین؛ ۱۳. ورود مجدد برادران و شناختن یوسف؛ ۱۴. اعتراف برادران به خطای خود و گذشت یوسف از آنان؛ ۱۵. فرستادن یوسف پیراهن خود را نزد پدر؛ ۱۶. شنیدن یعقوب بوی پیراهن یوسف را از فاصله دور؛ ۱۷. انداختن پیراهن یوسف به صورت یعقوب و بینا شدن او؛ ۱۸. آمدن یعقوب و همسرش نزد یوسف و استقبال یوسف از آنان؛ ۱۹. به سجده افتادن برادران در برابر یوسف.

اپیزود نهایی نیز طرحی مرکب دارد که از سه پاره یا سه طرح کوچک‌تر تشکیل شده است. قسمت‌های مختلف پاره اول بدین قرار است: ۱. فرایند آغازین: یوسف امین عزیز و صاحب قدرت می‌شود؛ ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: به علت خشکسالی، برادران برای گرفتن غله نزد یوسف می‌آیند، ولی یوسف را نمی‌شناسند؛ ب. بحران: یوسف به آنها می‌گوید تا زمانی که برادر دیگر (بنیامین) را نزد او نبرند، به آنها چیزی نخواهد داد؛ ج. گره‌گشایی: برادران قول می‌دهند پدر را راضی کنند و برادرشان را با خود بیاورند؛ ۳. فرایند پایانی: به دستور یوسف اموال برادران را در بارهایشان می‌گذارند و آنها را نزد یعقوب باز می‌گردانند.

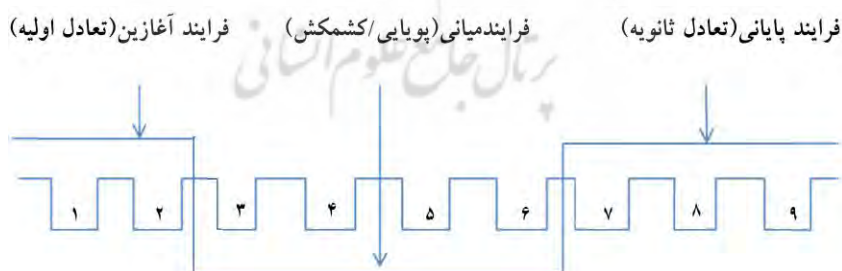
در این طرح، یوسف هم نیروی اخلاک‌گر است و هم نیروی سامان‌دهنده.

پاره دوم طرح اینگونه است: ۱. فرایند آغازین: برادران با گفتن اینکه اگر بنیامین را با خود نبرند، غله‌دادن به آنها نهی شده است، یعقوب را به بردن او راضی می‌کنند؛ ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: یوسف خود را به بنیامین معرفی می‌کند و بدرفتاری برادران را متذکر می‌شود، سپس جام خود را در بار بنیامین می‌گذارد؛ ب. بحران: ندا در می‌دهند که جام عزیز گم شده است، برادران سوگند

می‌خورند که کار آنها نبوده است و می‌گویند جام در بار هر کس پیدا شود، او خود تاوان آن است. با پیدا شدن جام در بار بنیامین بحران به اوج خود می‌رسد؛ ج. گره‌گشایی: پس از تلاش و خواهش برادران، یوسف اجازه می‌دهد آنها بروند و خبر دزدی را به پدرشان برسانند؛ ۳. فرایند پایانی: برادران به همراه کاروان نزد یعقوب بازمی‌گردند. در اینجا نیز باز یوسف هم عامل اخلال و هم عامل سامان‌دهنده طرح است.

اجزای پاره سوم این طرح مرکب بدین شرح است: ۱. فرایند آغازین: یعقوب پسرانش را سرزنش می‌کند و آنها را برای یافتن بنیامین و یوسف روانه مصر می‌کند؛ ۲. پویایی که شامل سه مرحله است: الف. گره‌افکنی: یوسف از برادران در مورد بدرفتاری آنها با یوسف می‌پرسد؛ ب. بحران: برادران شک می‌کنند و می‌پرسند که آیا او خود یوسف است. با معرفی و شناسانده شدن یوسف به برادران طرح به اوج می‌رسد؛ ج. گره‌گشایی: برادران از یوسف به دلیل رفتارشان طلب بخشش می‌کنند. یوسف آنها را می‌بخشد و به آنها دستور می‌دهد بروند و یعقوب را با خود بیاورند؛ ۳. فرایند پایانی: یعقوب به مصر می‌آید و در کنار پسر بر تخت می‌نشیند و برادران مقابل آنها سجده می‌کنند. یوسف به پدر یادآور می‌شود که این بود تعبیر خوابی که او در کودکی دیده بود. در این طرح نیز نیروی اخلال‌گر و نیروی سامان‌دهنده یوسف است.

پس از بررسی کنشهای اصلی طرح در داستان یوسف در سه قسمت آغازین (کودکی)، میانه (جوانی) و پایانی (میانسالی)، بر اساس نظریه تحقیق، می‌توان شکل زیر را برای ابرساختار یا طرح کلان و طرحهای جزئی این روایت پرافت و خیز رسم کرد.



هر یک از طرحهای جزئی به ترتیب مربوطاند به سه قسمت: الف. فرایند آغازین: خواب دیدن یوسف در کودکی (۱)؛ در چاه افکندن یوسف (۲)؛

_____ بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری وای

ب. فرایند میانی: ابراز عشق زلیخا به یوسف (۳)؛ زندانی شدن یوسف (۴)؛ رهایی همبند یوسف (۵)؛ خواب دیدن یوسف و رهایی او (۶)؛

ج. فرایند پایانی: اجبار برادران به آوردن بنیامین (۷)؛ زندانی شدن بنیامین (۸)؛ بازگشت یوسف نزد پدر (۹).

اما طرح این داستان را می‌توان از جنبه‌های دیگر نیز بررسی کرد، زیرا با اینکه اساس این داستان سرگذشت یوسف است، می‌توان از منظر کنشهای مرتبط با سایر شخصیتها نیز طرح این روایت را بررسی کرد.

طرح‌شناسی ماجرای زلیخا

ماجرای زلیخا و یوسف بر یک طرح کلی با سه مرحله، عاشق شدن زلیخا، تلاش او برای تصاحب یوسف و سرانجام این عشق، استوار است. این طرح، طرحی مرکب است که بدین شرح از دو طرح جزئی یا پاره کوچک‌تر تشکیل شده است.

طرح پاره اول: ۱. فرایند آغازین: زلیخا همسر عزیز مصر است؛ ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: زلیخا عاشق یوسف می‌شود؛ ب. بحران: زلیخا یوسف را در اتاق حبس، و به او ابراز عشق می‌کند. با کامجویی زلیخا و درگیری او با یوسف طرح به اوج می‌رسد؛ ج. گره‌گشایی: پس از داوری فرد خردمند، زلیخا نزد عزیز از کرده‌اش توبه می‌کند؛ ۳. ماجرا با گذشت عزیز خاتمه می‌یابد.

در این طرح، زلیخا عامل اخلاک‌گر، و خردمند و عزیز عوامل سامان‌دهنده هستند.

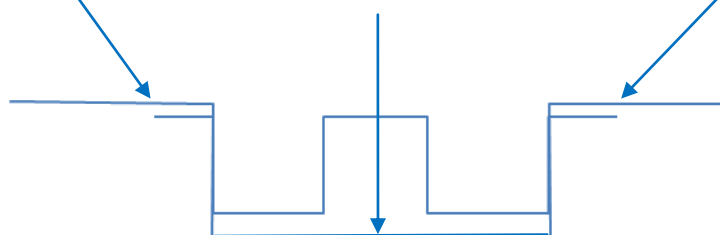
طرح پاره دوم: ۱. فرایند آغازین: ماجرای کامخواهی زلیخا از یوسف بر سر زبانها می‌افتد؛ ۲. پویایی که شامل سه قسمت است: الف. گره‌افکنی: زلیخا برای رهایی از سرزنش زنان اشراف میهمانی ترتیب می‌دهد. ب. بحران: زنان با دیدن زیبایی یوسف، به زلیخا حق می‌دهند. زلیخا یوسف را تهدید به زندان می‌کند. با زندانی شدن یوسف طرح به اوج می‌رسد؛ ج. گره‌گشایی: پس از چند سال، یوسف از زندان آزاد می‌شود و زلیخا در مقابل همه به بی‌گناهی او و گناهکاری خود اعتراف می‌کند؛ ۳. فرایند نهایی: زلیخا به هدفش نمی‌رسد.

در اینجا، نیروی اخلاک‌گر و سامان‌دهنده زلیخاست. از آنجا که ازدواج زلیخا با یوسف

در سوره نیامده است، بنابر اطلاعات متن، نمی‌توان آن را کنش نهایی این طرح

دانست. شکل ترسیمی ماجرای زلیخا چنین است:

فرایند پایانی (تعادل ثانویه) فرایند میانی (پویایی/کشمکش) فرایند آغازین (تعادل اولیه)



در این طرح کلی، دو طرح جزئی مربوط به بخش فرایند میانی طرح هستند که به ترتیب، عبارت‌اند از: ابراز عشق و کامجویی زلیخا (۱)؛ میهمانی زنان اشراف و زندانی شدن یوسف (۲).

طرح‌شناسی ماجرای عزیز

کنشهای مرتبط با عزیز در این روایت طرحی بدین شرح دارد: ۱. فرایند آغازین: عزیز یوسف را می‌خرد و به حفظ و تربیت او سفارش می‌کند؛ ۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره‌افکنی: عزیز از ماجرای یوسف و زلیخا مطلع می‌شود و زلیخا به یوسف تهمت می‌زند؛ ب. بحران: با زندانی شدن یوسف عزیز او را فراموش می‌کند. در اوج این طرح، عزیز خوابی می‌بیند که او را آشفته می‌کند و تنها یوسف می‌تواند آن را تعبیر کند. ج. گره‌گشایی: با کمک جوان آزادشده، عزیز یوسف را به خاطر می‌آورد، و پس از اثبات بی‌گناهی یوسف، او را مسئول خزانه می‌کند؛ ۳. فرایند پایانی: عزیز می‌میرد و یوسف جانشین او می‌شود.

در این طرح زلیخا نیروی اخلاک‌گر و جوان آزادشده نیروی سامان‌دهنده است. شکل این طرح چنین است:

فرایند پایانی (تعادل ثانویه) فرایند میانی (پویایی / کشمکش) فرایند آغازین (تعادل اولیه)



در این شکل سه فرایند، به ترتیب، عبارت‌اند از: خریداری و تربیت یوسف (فرایند آغازین) (۱)؛ تعبیر خواب عزیز و بخشش یوسف (فرایند میانی) (۲)؛ مرگ عزیز و جان‌شینی یوسف (فرایند پایانی) (۳).

طرح‌شناسی ماجرای یعقوب

وقایع مرتبط با یعقوب نیز یک طرح کلی دارد با سه مرحله. مرحله آغازین که زندگی یوسف و بنیامین با یعقوب است؛ مرحله میانی که در آن جدا شدن و دوری آن دو از یعقوب رخ می‌دهد؛ و سرانجام، مرحله پایانی که بازگشت آن دو نزد پدر است. این طرح کلی از سه طرح کوچک‌تر یا سه پاره جزئی تشکیل شده است.

در طرح اول این سه پاره وجود دارند: ۱. فرایند آغازین: یعقوب به یوسف بسیار علاقه‌مند است؛ ۲. پویایی که شامل این مراحل است: الف. گره‌افکنی: برادران علی‌رغم میل یعقوب، می‌خواهند یوسف را برای تفریح به بیابان برند؛ ب. بحران و اوج (برادران با پیراهن خون‌آلود یوسف نزد پدر بازمی‌گردند و می‌گویند گرگ او را دریده است)؛ ج. گره‌گشایی: یعقوب سخن آنان را باور نمی‌کند و می‌گوید نفس شما سبب آراستن این کار شده است؛ ۳. فرایند پایانی: یعقوب از خدا طلب صبر می‌کند.

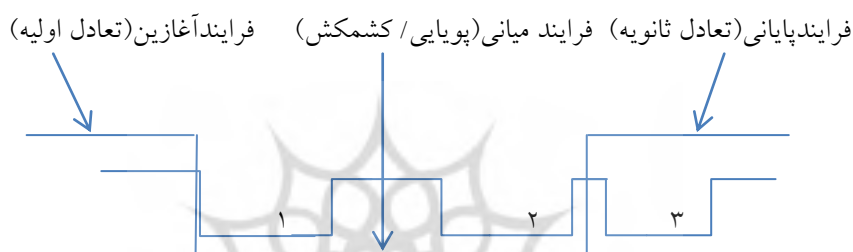
در این طرح برادران نیروی اخلاک‌گر و یعقوب نیروی سامان‌دهنده است.

طرح دوم نیز از این سه پاره تشکیل شده است: ۱. فرایند آغازین: یعقوب به بنیامین بسیار علاقه‌مند است؛ ۲. پویایی که شامل این مراحل است: الف. گره‌افکنی: برادران علی‌رغم میل یعقوب، می‌خواهند بنیامین را برای گرفتن غله به مصر ببرند؛ ب. بحران و اوج: برادران نزد یعقوب بازمی‌گردند و خبر دزدی و اسارت بنیامین را به وی می‌رسانند؛ ج. گره‌گشایی: یعقوب سخن آنان را باور نمی‌کند و می‌گوید نفس شما سبب آراستن این کار برای شما شده است؛ ۳. فرایند پایانی: یعقوب از خدا طلب صبر می‌کند.

در اینجا نیز برادران نیروی اخلاک‌گر و یعقوب نیروی سامان‌دهنده است. در طرح سوم این پاره‌ها وجود دارند: ۱. فرایند آغازین: چشمان یعقوب از فرط اندوه و گریه نابینا شده و برادران در تلاشند او را آرام کنند؛ ۲. پویایی شامل این مراحل است: الف. گره‌افکنی: یعقوب برادران را برای یافتن یوسف و بنیامین عازم

مصر می‌کند؛ ب. بحران: برادران با ذکر پیری، ناتوانی و نابینایی پدر برای آزادی بنیامین می‌کوشند؛ ج. گره‌گشایی: یوسف خود را معرفی می‌کند و پیراهنش را برای شفای پدر با برادران برای وی می‌فرستد؛ ۳. فرایند پایانی: یعقوب به همراه یوسف بر تخت می‌نشیند.

در این طرح یعقوب نیروی اخلاص‌گر و یوسف نیروی سامان‌دهنده است. شکل ترسیمی این طرح چنین خواهد بود:



در این طرح کلی، سه طرح جزئی وجود دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: در چاه افتادن و به مصر رفتن یوسف (۱)؛ زندانی شدن بنیامین در مصر در فرایند میانی (۲)؛ و یافتن و بازگشت آنها در فرایند پایانی (۳).

طرح‌شناسی ماجرای برادران

وقایع شرح‌دهنده سرگذشت برادران و یوسف نیز یک طرح کلی است با سه مرحله. مرحله آغازین که حسادت برادران به یوسف آشکار می‌شود؛ مرحله میانی که به جدا کردن یوسف و برادرش از پدر می‌انجامد؛ و مرحله پایانی که بازگرداندن یوسف و بنیامین نزد یعقوب است. این طرح کلی نیز شامل سه طرح جزئی است.

طرح اول: ۱. فرایند آغازین: برادران و یوسف با هم زندگی می‌کنند؛ ۲. پویایی که شامل سه مرحله است: الف. گره‌افکنی: برادران به یوسف حسد می‌برند؛ ب. بحران: برادران تصمیم می‌گیرند یوسف را از کنعان دور کنند، پس به بهانه تفریح او را به بیابان می‌برند. در اوج این قسمت، او را به چاه می‌اندازند و شامگاه با پیراهن خونین او و خبر دریدن گرگ یوسف را، نزد پدر برمی‌گردند؛ ج. گره‌گشایی: پدر حرف آنها را

_____ بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری وای

قبول نمی‌کند و آن را نقشه شیطان و دروغ می‌داند؛ ۳. فرایند پایانی: برادران از شر یوسف خلاص می‌شوند.

در این طرح، برادران نیروی اخلاک‌گر، و یعقوب نیروی سامان‌دهنده است.

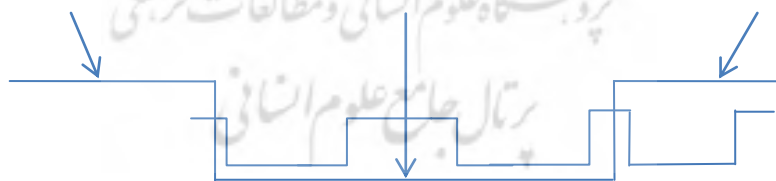
طرح دوم: ۱. فرایند آغازین: برادران بر یوسف وارد می‌شوند و او را نمی‌شناسند؛ ۲. پویایی با سه مرحله که عبارت‌اند از: الف. گره‌افکنی: یوسف دادن غله را منوط به آوردن بنیامین نزد خود می‌کند؛ ب. بحران: برادران با وعده برگرداندن بنیامین او را به مصر می‌برند، اما در اوج این قسمت، با خبر دزدی و اسارت او در مصر بازمی‌گردند؛ ج. گره‌گشایی: پدر حرف آنها را قبول نمی‌کند و آن را نقشه شیطان و دروغ می‌داند؛ ۳. فرایند پایانی: برادران سعی در اقناع و تسلای پدر دارند.

در اینجا یوسف نیروی اخلاک‌گر و یعقوب نیروی سامان‌دهنده است.

طرح سوم: ۱. فرایند آغازین: برادران برای طلب رهایی بنیامین بر یوسف وارد می‌شوند؛ ۲. پویایی با سه مرحله: الف. گره‌افکنی: یوسف از آنها درباره رفتارشان با برادرشان یوسف می‌پرسد؛ ب. بحران و اوج: برادران یوسف را می‌شناسند و با پشیمانی از کرده خود، پوزش می‌خواهند؛ ج. گره‌گشایی: یوسف آنها را می‌بخشد و برای آوردن پدر می‌فرستد؛ ۳. فرایند پایانی: برادران از پدر طلب بخشش می‌کنند و مقابل او و یوسف سجده می‌کنند.

در اینجا هر دو نیرو، اخلاک‌گر و سامان‌دهنده، خود یوسف است. شکل این طرح چنین است:

فرایند پایانی (تعادل ثانویه) فرایند میانی (پویایی / کشمکش) فرایند آغازین (تعادل اولیه)



سه طرح جزئی این طرح نیز به ترتیب عبارت‌اند از: در چاه انداختن یوسف (۱)؛ زندانی شدن بنیامین در مصر (۲) که به فرایند میانی روایت مربوط است؛ یافتن وی به دست برادران (۳) در فرایند پایانی.



نتیجه‌گیری

همانگونه که در ابتدا اشاره شد، سوره یوسف در ۱۱۱ آیه و در حدود سیزده و نیم صفحه بیان شده است. در صفحات گذشته، چگونگی طرح این روایت از پنج منظر، کنشهای مرتبط با یوسف، عزیز، زلیخا، یعقوب و برادران بررسی شد. بر اساس آنچه آمد، این روایت پنج طرح کلی و نوزده طرح فرعی دارد. مهم‌ترین آنها طرح مربوط به یوسف است که در آن روایت بر مبنای وقایع زندگی او شکل گرفته است.

با مطالعه کنشهای اصلی طرح سرگذشت یوسف در این روایت و نقش و جایگاه هر کنش در طرح کلی (ابر ساختار) آن دریافتیم که در این داستان، راوی با بیان کردن نه طرح جزئی در قالب نه کنش مهم، به ترتیب، دو کنش در مرحله آغازین، چهار کنش در مرحله میانی، و سه کنش در مرحله نهایی، به زیبایی داستان را به مراحل فراز، اوج و فرود هدایت می‌کند. چنین طرح‌افکنی مناسب و طبیعی، که در آن هر طرح جزئی نتیجه منطقی طرح پیشین و مقدمه مناسبی برای طرح پس از خود است، سبب شده است در عین اینکه کنشهای هر مرحله تابع علت غایی داستان هستند، داستان از کشش و حس تعلیق سرشار باشد.

نکته دیگر درباره طرح و کنشهای داستان، گزینش بجا و مناسب مهم‌ترین حوادث و پرهیز از درازگویی است. چنانکه گاه یک موقعیت بسیار پیچیده و بغرنج با کوتاه‌ترین جمله‌های ممکن بیان می‌شود، مانند این نمونه: «اسْتَبَقَا الْبَابَ وَ قَدَّتْ قَمِيصُهُ مِنْ دُبُرٍ وَ اَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوءًا اِلَّا اَنْ يُسْجَنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۲۵ قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ اَهْلِهَا اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۲۶». در این آیه‌ها هفت کنش پیاپی هنگام عمل نشان داده شده است. همچنین، آمدن طرحهای فرعی، چون خواب دیدن عزیز یا ماجرای جوان زندانی نیز به سبب اقتضای روند کلی داستان است؛ به گونه‌ای که به سختی می‌توان کنشی را از داستان حذف کرد، بی آنکه طرح کلی آسیب ببیند.

خلاصه اینکه از ویژگیهای خاص طرح در داستان یوسف می‌توان به مواردی چون مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، ایجاد معما و تعلیق پی‌درپی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنشها و وحدت حوادث و یکدستی روایت در

_____ بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری وای

حادثه‌پردازی در کل داستان اشاره کرد. این موارد در کنار پیام و مفهوم والای این روایت، سبب شده است داستان یوسف با وصف «احسن القصص» سرآمد داستانهای قرآنی باشد.

پی‌نوشت

- ¹. Larivail
- ². plot
- ³. Super structur
- ⁴. schema canonique

منابع

۱. اخوت، احمد؛ دستور زبان داستان؛ اصفهان: نشر فردا، ۱۳۷۱.
۲. ارسطو؛ فن شعر؛ ترجمه عبدالحسین زرین کوب؛ تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۵۷.
۳. برودل، دیوید؛ روایت در فیلم داستانی؛ ترجمه سید علاءالدین طباطبایی؛ تهران: بنیاد فارابی؛ ۱۳۷۳.
۴. بی‌نیاز، فتح‌الله؛ درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی با اشاره موجر به آسیب‌شناسی رمان و داستان کوتاه ایران؛ تهران: افراز؛ ۱۳۸۷.
۵. دات‌فایر، دایان؛ فن رمان‌نویسی؛ ترجمه محمدجواد فیروزی؛ چ ۱؛ تهران: نگاه؛ ۱۳۸۸.
۶. فورستر، ای. ام؛ جنبه‌های رمان؛ ترجمه ابراهیم یونسی؛ تهران: امیرکبیر؛ ۱۳۵۲.
۷. عباسی، علی؛ پژوهشی بر پیرنگ؛ مجله پژوهش‌های زبان خارجی دانشگاه تهران؛ شماره ۳۳؛ پاییز ۱۳۸۵؛ صص ۸۵، ۱۰۳.
۸. محمدی، محمد هادی؛ روش‌شناسی نقد کودکان؛ تهران: انتشارات سروش؛ ۱۳۷۸.
۹. مکاریک، ایرنا ریما؛ دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر؛ ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی؛ تهران: آگه؛ ۱۳۸۵.
۱۰. مک کی، رابرت؛ داستان، ساختار سبک و اصول فیلمنامه‌نویسی؛ ترجمه محمد گذرآبادی؛ تهران: نشر هرمس؛ ۱۳۸۲.
۱۱. میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (ذوالقدر) میمنت؛ واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی؛ تهران: کتاب مهناز؛ ۱۳۷۷.

-
۱۲. میرصادقی، جمال؛ ادبیات داستانی (قصه، رمانس، داستان کوتاه، رمان)؛ تهران: موسسه نهادگذاری مطالعات علمی و پژوهشی گویا، ۱۳۸۵.
۱۳. والاس، مارتین؛ نظریه‌های روایت؛ ترجمه محمد شهباز؛ تهران: هرمس؛ ۱۳۸۶.
14. Reuter. Yvet, Introduction à l'analyse du roman, ed. Armand Colin, paris.2006.

